

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

بررسی تجلی غدیر و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین (ع) در اشعار ناصر خسرو

(ص ۲۱۴-۱۹۹)

علی عسکری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

با توجه به اینکه ناصر خسرو شاعری شیعی مذهب بوده و بعنوان یک مبلغ سطح بالای مذهبی، مأموریت تبلیغ مذهب خود را داشت، بیان فضایل خاندان پیامبر (ص) به ویژه امام علی (ع) و ابراز محبت و ارادت به آنها و دفاع از حق آنان و نکوهش مخالفان و دشمنان اهل بیت (ع) از ویژگیهای برجسته و مهم سبکی شعر اوست که در دهها قصیده او این مطالب انعکاس یافته است. ناصر خسرو در زمانه‌ای که حکومت در دست ترکان سنی مذهب متعصب بود، با شجاعت و صراحت و به خطر افکندن جان خود، به ابراز عقیده و تبلیغ مذهب خود پرداخت و با بیان دلایلی چون: الهی بودن کار نبوت و امامت، تصریح و تنصیب پیامبر (ص) به ولایت امام علی (ع) در غدیر خم، وجود احادیث متعددی از پیامبر (ص) در باره امام علی (ع) و آیاتی از قرآن در شأن آن حضرت، قرابت و نزدیکی حضرت علی (ع) با پیامبر اسلام (ص)، فضایل بی‌شمار امیرالمؤمنین (ع) و اصلحیت و اولویت آن حضرت، و تخطئه منکران و مخالفان به دلیل: عهد شکنی، زیر پا نهادن فرمان خدا و رسول، کنار گذاشتن فرد اصلح و برگزیده خدا و رسول به خاطر جهالت و حسادت و بهانه کردن کم سن و سالی علی (ع) و... از تشیع و ولایت علی (ع) دفاع کرده است و از آنجایی که شاعر و متکلم زبردستی بوده، دفاعیات و استدلالات او جالب و شنیدنی است.

کلمات کلیدی: غدیر، ولایت، ناصر خسرو، شعر، سبک.

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر، askari5017@yahoo.com

مقدمه :

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی از شاعران و نویسندگان توانا و بزرگ ایران است. وی در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان بلخ متولد شد و در سال ۴۸۱ در یمگان بدخشان درگذشت. (تاریخ ادبیات صفا، ج ۲: ص ۴۴۳ و سفرنامه ناصر خسرو، تصحیح دبیرسیاقی : ص ۴۰۵).

ناصر خسرو از خاندان محتشمی بود و ثروت و املاکی در بلخ داشت. وی از کودکی به کسب علوم و آداب اشتغال ورزید و در جوانی به دربار سلاطین و امرا راه یافت و به کارهای دیوانی مشغول شد و عنوان « ادیب » و « دبیر فاضل » گرفت و شاه وی را « خواجه خطیر » خطاب میکرد. (تاریخ ادبیات صفا، ج ۲: ص ۴۴۵-۴۴۶).

ناصر خسرو بعد از آنکه مدتی از عمر خود را، در عین کسب انواع فضایل، در خدمت امرای غزنوی و سلجوقی در لاهو و لعب و کسب مال و جاه گذراند، اندک اندک دچار تغییر حال شد و در اندیشه جستجوی حقیقت افتاد، از اینرو مدتی را در سفر ترکستان و سند و هند گذراند و شهرهای زیادی را گشت و با اقوام و ارباب ادیان و علمای مختلف معاشرت و مجالست و بخصوص با علمای دین مباحثه کرد ولی جواب قانع کننده‌ای نگرفت. این سرگردانی و نابسامانی شاعر را خوابی که او در جمادی الآخر سال ۴۳۷ دیده بود خاتمه داد. وی بر اثر این خواب، از شغل دیوانی استعفا کرد و با برادر کوچکتر و غلام خود به آهنگ حج، مرو را ترک گفت. سفر وی در مجموع هفت سال بطول انجامید و در این مدت از شهرها و سرزمینهای مختلف دیدن کرد و چهار بار نیز خانه خدا را زیارت نمود و سه سال نیز در مصر بسر برد و با هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله، دیدار کرد. وی در مصر به مذهب شیعه اسماعیلی درآمد و درجات مراتب روحانی آن مذهب را طی کرد و به مقام حجت که تالی مقام امام و خلیفه بود رسید و از طرف خلیفه، مأمور نشر مذهب اسماعیلی در سرزمین خراسان شد. (همان: صص ۴۴۶-۴۵۰ و سفرنامه ناصر خسرو، تصحیح وزین پور : ص چهارده). او پیش از این، سنی حنفی بود (گزیده اشعار ناصر خسرو، شعار: هفت) اگرچه برخی معتقدند که او از قبل اسماعیلی بوده و در مصر، مرتبه و درجه گرفته است.

ناصر خسرو پس از بازگشت، به موطن خود بلخ رفت و در آنجا شروع به تبلیغ و نشر مذهب اسماعیلی کرد و با علمای اهل سنت به مباحثه پرداخت تا اینکه دشمنان و مخالفان او زیاد شدند و کار را بر او دشوار کردند بگونه‌ای که مجبور به ترک وطن شد و به نیشابور و مازندران پناه برد و سرانجام یمگان را که شهر و قلعه‌ای مستحکم در میان کوههای سرزمین بدخشان افغانستان بود برای محل اقامت دائم خود برگزید و تا پایان عمر در همانجا با رنج و سختی زیست و همانجا درگذشت. (تاریخ ادبیات صفا، ج ۲: صص ۴۴۵-۴۴۶). اشعار زیر انعکاس گوشه‌ای از درد و رنجهای این دوره از عمر شاعر همراه با علت آن است:

آزاد و بنده و پسر و دختر
پیر و جوان و طفل ز گاوآره

کردند دمان نشانه بیغاره (دیوان ناصر خسرو: ص ۲۹۷)	بر دوستی عتبرت پیغمبر
بر یکی مانده به یمگان دره زندانی از دلش راحت و از تنش تن آسانی ترک و تازی و عراقی و خراسانی که تو بد مذهبی و دشمن یارانی (همان: ص ۴۳۵)	بگذر ای باد دل افروز خراسانی برده این چرخ جفا پیشه به بیدادی بی گناهی شده همواره برو دشمن بهنه جویان و جز این هیچ بهانه نه
که بر عهد معروف روز غدیرم بدانند دشمن قلیل و کثیرم (همان: ص ۴۴۶)	ندانم جز این عیب مر خویشان را بدانست فخرم که جهال امت

ناصر خسرو پیشتاز شعر علمی - عرفانی - اخلاقی است. او انسان بزرگ و نمونه‌ای است که بنحو وسواس آمیزی کردار را با گفتار همراه کرده و یکی از پایه گذاران پیکار بی‌امان با تلبیس و نیرنگ و تزویر است. (آواها و ایماها، اسلامی ندوشن: ص ۱۹۳). شاید در ایران کمتر شاعری را بتوان یافت که مانند ناصر خسرو جنبه‌های مختلف را دارا باشد. او شاعر و نویسنده و متکلم و فیلسوف و جهانگرد و واعظ و مبلغ مذهب بود و جنبه آخرین او یعنی مبلغ مذهب بودن موجب این گردیده بود که او آنچه را که میگوید و مینویسد همان چیز باشد که به آن اعتقاد دارد و این قسمت نیز او را از شاعران همردیف خود ممتاز میسازد. (تحلیل اشعار ناصر خسرو، محقق: ص ۳۱۹). ناصر خسرو نشر علم یا دین حق را نوعی وظیفه خدایی می‌انگاشت (مجموعه مقالات هزارمین سال ولادت ناصر خسرو، یوسفی: ص ۶۲۳) و اندیشه‌های دینی و آئینی یکی از ویژگیهای برجسته سبکی اوست.

تعریف مسأله: بخش قابل توجهی از اشعار دینی و آئینی فارسی، مدح و منقبت، مرثیه و یا برخی از ماجراهای زندگانی معصومین (ع) است که نقش مهمی در آگاهی بخشی افراد جامعه و نشر مبادی دین و جاری ساختن خون حماسه و تعهد و اخلاق و معنویت در دلها و جانها دارد.

یکی از این موضوعات مهم و اساسی، واقعه غدیر خم است. این موضوع بیش از آنکه به پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و سایر ائمه اطهار (ع) مربوط باشد، به سرنوشت جامعه بشری و ما انسانها مربوط میشود و داشتن ایمان و اعتقاد قلبی و التزام عملی نسبت به آن، مسیر زندگی دنیوی و مهمتر از آن زندگی اخروی ما را رقم میزند و عامل مهمی در سعادت و رستگاری آن جهانی ما خواهد بود، زیرا غدیر روز اكمال دین و اتمام نعمت الهی بر مؤمنان و حلقه وصل دو اصل مهم نبوت و امامت است و به فرموده معصومین (ع)، بدون اعتقاد به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) خداوند هیچ عملی را از کسی نمی پذیرد. (الاحتجاج، طبرسی: ص ۶۱).

ناصر خسرو با اینکه اولین شاعر شیعی نبود، ولی اولین شاعر در حوزه ادب فارسی است که در آثار شعر و نثر خود بارها از موضوع غدیر سخن گفت و از آن دفاع کرد. بنابراین برای ما مهم است بدانیم که موضوع پر اهمیت غدیر اولین بار چگونه در ادب فارسی انعکاس یافته و از چه منظرهایی بدان نگریسته شده است.

پیشینه تحقیق: با جستجوهای بعمل آمده، هیچ مقاله یا کتابی با موضوع غدیر در اشعار ناصر خسرو مشاهده نشده است اما دو مقاله مشاهده شد که تا حدی قرابت موضوعی با این مقاله دارند: ۱- سیمای حضرت فاطمه (س) در آینه شعر حکیم سنایی و ناصر خسرو، از دکتر محمدرضا یوسفی و طلیعه عشقی، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۶. ۲- بررسی مصادیق رد و طعن در دیوان ناصر خسرو، از زخرف خانی سمسکنده و بی بی زینب افضلی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ش ۱۲، تابستان ۱۳۹۰.

روش تحقیق: روش این تحقیق، نظری و بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای است. محدوده تحقیق (جامعه آماری): دیوان اشعار ناصر خسرو، به تصحیح مینوی و محقق، چاپ دانشگاه تهران: ۱۳۷۰

موضوع غدیر و دفاع از ولایت در اشعار ناصر خسرو:

همانگونه که گفته شد ناصر خسرو حکیم و شاعر سنی مذهبی بود که در مصر به مذهب شیعه اسماعیلی گروید و در آنجا مراتب و درجات بالای مذهب اسماعیلیه را طی کرد و بعنوان یک مبلغ سطح بالای مذهبی، از طرف خلیفه فاطمی مصر مأمور تبلیغ مذهب خود شد. او همچنین به شواهد آثارش، متکلم توانایی نیز بود و کار علم کلام نیز «بحث در باره عقائد اسلامی و دفاع از آنهاست». (آشنایی با علوم اسلامی، مطهری: ص ۱۵)، از اینرو بیان فضایل خاندان پیامبر (ص) به ویژه امام علی (ع) و ابراز محبت و ارادت به آنها و دفاع از حق آنان و نکوهش مخالفان و دشمنان اهل بیت (ع) از ویژگیهای مهم سبکی شعر ناصر خسرو است. از جمله قصایدی که این مطالب در آنها منعکس شده است بر اساس چاپ مینوی - محقق عبارتند از: قصیده شماره ۶، ۱۶، ۲۲، ۲۶، ۳۱، ۳۴، ۴۲، ۴۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۷۴، ۸۲، ۸۵، ۹۱، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۹۸، ۲۱۲، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۱، و شماره های ۲، ۳، ۵ و ۶ از ملحقات.

اگرچه در کتابهای کلامی دلایل عدیده‌ای در اثبات خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) و افضلیت آن حضرت ارائه شده است که از جمله آنها کتاب مستطاب گوهر مراد است: (گوهر مراد، فیاض لاهیجی: ص ۴۸۵-۵۸۱)، اما حرفها و استدلالهای شعری حکیم و متکلم نیز در این زمینه شنیدنی است به ویژه که این سخنان و استدلالات در جامه شعر عرضه میشود که خود یکی از صناعات خمس در بحث و جدل و از ابزار اقناع مخاطب است. (منطق صوری، خوانساری: ص ۱۸۵).

ناصر خسرو در برخی از این قصاید مذکور، مستقیماً به موضوع غدیر و دفاع از حق امامت و وصایت حضرت علی (ع) پرداخته است و از آنجاییکه متکلم زبر دستی بوده، دفاعیات خود را با استدلالهای عقلی و نقلی جالبی همراه کرده است. دلایلی که ناصر خسرو در دفاع از حق و ولایت امام علی (ع) ارائه کرده - و عموماً به نوعی مرتبط با غدیرند - عبارتند از:

۱- تأکید آیات قرآن بر ولایت علی (ع) و منصوب خدا و پیامبر بودن آن حضرت برای خلافت (الهی بودن کار امامت):

ناصر خسرو در قصیده شماره ۵ دیوان میگوید: پیامبر به امر خداوند سرپرستی امت را به حضرت علی (ع) - که خازن قرآن و علم و احکام الهی است - واگذار کرد ولی عده‌ای بر خلاف انتخاب خدا و پیامبر، دیگران را بعنوان خلیفه برگزیدند و این افراد به دلیل اطاعت نکردن از روح و مفسر حقیقی قرآن، یعنی امام علی (ع)، معانی و حقایق قرآن را نمی فهمند:

قرآن را یکی خازنی است کایزد	حواله بدو کرد مرانس و جان را
پیامبر شبانی بدو داد از امت	به امر خدای این رمه بیکران را
برگزیده خدا و پیامبر	معانی قرآن
معانی قرآن	فلان و فلان و فلان را
را همسانی زان ندادنی	ننداری روان قرآن را

(دیوان ناصر خسرو: ۱۱)

بیت آخر این شعر یادآور این قسمت از خطبه غدیر است: «ای مردم، در قرآن تدبیر نمایید و آیات آن را بفهمید. به خدا قسم باطن آن را برای شما بیان نمیکند و تفسیرش را برایتان روشن نمیسازد مگر این شخصی که دست او را میگیرم و او را بسوی خود بالا میبرم». (الاحتجاج، طبرسی: ص ۶۰). همچنین در قصیده ۸۲ میگوید:

آگه نه‌ای مگر که پیامبر که را سپرد	روز غدیر خم ز منبر ولایتش؟
آن را سپرد کایزد مر دین و خلق را	اندر کتاب خویش بدو کرد اشارتش . . .

(دیوان ناصر خسرو: ۱۷۹)

برخی آیات مربوط به امامت و خلافت علی (ع) عبارتند از: آیه تبلیغ (مائده/۶۷)، آیه اکمال (مائده/۳)، آیه ولایت (مائده/۵۶).

۲- واقعه غدیر خم:

واقعه غدیر، مهمترین و رسمی‌ترین و عظیم‌ترین اجتماع سیاسی صدر اسلام بود که در سال دهم هجرت، پیامبر اسلام (ص) پس از مراسم حجه الوداع در بازگشت به سوی مدینه، به امر الهی جمعیت حجاج را - که تا ۱۲۰ هزار نفر نقل شده - در غدیر خم متوقف کرد و در طی خطبه‌ای، رسماً امام علی (ع) را به جانشینی خود برگزید و سه روز در آنجا توقف فرمود و از تمام مرد و زن برای امام علی (ع) بیعت گرفت. (الاحتجاج، طبرسی: ص ۵۶-۶۶). حدیث غدیر را علاوه بر منابع شیعه،

بسیاری از منابع مهم اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، از جمله: بدایه و نهایه ابن کثیر، تاریخ کبیر بخاری، تاریخ یعقوبی، تفسیر قرطبی، سنن کبری بیهقی، صحیح ابن ماجه، صحیح ترمذی، مسند احمد بن حنبل و...

ناصر خسرو در قصیده شماره ۱۰۸، ضمن اشاره به سخن مخالفان در برتری دادن خلفای سه گانه بر حضرت علی (ع)، به برخی ماجراهای روز غدیر از جمله: فرمان خداوند در معرفی امام علی (ع) بعنوان وصی پیامبر (ص)، ساختن منبر از پالان شتران برای پیامبر (ص) و وصی قرار دادن پیامبر (ص) علی (ع) را در بالای آن منبر اشاره میکند و با برشمردن برخی فضایل امام علی (ع)، وی را بر همگان برتری مینهد و در پایان میگوید: اگر کسی فرد دیگری را به جای امام علی (ع) برگزیند، خداوند در قیامت او را مورد مؤاخذه قرار میدهد.

همی گوید «پرسیدش پس از ایمان به فرقان او
اگر کمتر ندارد مر علی را از همه یاران چرا
گویم که بهتر بود در عالم کسی زان کس
آن سید که از فرمان رب العرش، پیغمبر
کسی کو دیگری را برگزیند بر چنین حزی

به پیغمبر رسول مصطفی از فضل یارانش
نباشد جز که باطل زی خدای، اسلام و ایمانش
که بر اعدای دین بر، تیغ محنت بود بارانش؟
وصی کردش در آن معدن که منبر بود پالانش...
پیرسد روز حشر ایزد ز تن بی روی بهتانش)
دیوان ناصر خسرو: ۲۳۴ و ۲۳۵

بیت آخر شعر یادآور این فراز از خطبه غدیر است: بدانید که جبرئیل از جانب خداوند گفته است: « هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد». (الاحتجاج، طبرسی: ص ۶۰). ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزوجل، اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. (همان: ۶۱).

وی همچنین در قصیده شماره ۱۲۹، ضمن برشمردن فضایل امام علی (ع) به ماجرای غدیر اشاره میکند و میگوید: پیامبر (ص) علی (ع) را در آن روز وصی خود قرار داد و برای او دعا کرد و شهرت غدیر در جهان به وجود آن حضرت است:

عرش این عرش کسی بود که در حرب، رسول آن
که بیش از دگران بود به شمشیر و به علم آن که
معروف بدو شد به جهان روز غدیر
آن که با علم و شجاعت چو قوی داد عطاش
هر خردمند بداند که بدین وصف، علیست
گر شما ناصبیاں را به جز او هست امام

چون همه عاجز گشتند بدو داد لواش وان
که بگزید و وصی کرد نبی بر سر ماش وز
خداوند ظفر خواست پیمبر به دعایش
به رکوع اندر بفزود سوم فضل: عطاش
چون رسید این همه اوصاف به گوش شنواش
نیستم من سپس آن کس، دادم به شماش
(دیوان ناصر خسرو: ۲۷۶)

مصراع دوم بیت سوم اشاره دارد به این فراز از خطبه غدیر: « اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلَاةٍ وَاَعَادٍ مِّنْ عَادَاةٍ وَاَنْصُرْ مَن نَّصَرَهُ وَاَخْذُلْ مَن خَدَلَهُ »، خدایا دوست بدار هر کس او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد و یاری کن هر کس او را یاری کند و خوار کن هر کس او را خوار کند. (الاحتجاج، طبرسی: ص ۶۱).

همچنین ناصر خسرو در قصیده شماره ۴۶، به ماجرای غدیر و خطبه پیامبر (ص) در آن روز و گرفتن دست حضرت علی (ع) و جانشین خود قرار دادن وی اشاره میکند و به مخاطب خود از اهل سنت میگوید: اگر به این ماجرا اقرار داری، باید علی و حسن و حسین امام تو باشد که از علم الهی برخوردارند و سخنانشان در حکم آب حیات است که جاودانگی میبخشد؛ و اگر از سر جهل، منکر وصیت پیامبر (ص) هستی پس نباید بعد از پیامبر (ص) برای خودت سفیر و وصی داشته باشی:

در راه دین حق تو به رای کسی مرو	بنگر که	کو را ز رهبری نه صغیرست و نه کبیر	روزی
خلق را به که داد و چگونه گفت	دست علی	که خطبه کرد نبی بر سر غدیر	گر دست او
گرفت و بدو داد جای خویش		گرفت تو جز دست او مگیر	حیدر امام تست و
ای ناصبی اگر تو مقرری بدین سخن		شـــــبر وانگهـــــبی شـــــبیر	
ور منکری وصیت او را به جهل خویش	علم	پس خود پس از رسول نباید تو را سفیر	
علی نه قال و مقال است عن فلان		بل علم او چو در یتیمست بی نظیر	
آب حیات زیر سخنهای خوب اوست		آب حیات را بخور و جاودان ممیر	

(دیوان ناصر خسرو: ۱۰۵)

فیاض لاهیجی نیز در جواب منکران وصیت پیامبر (ص) می گوید: « معلوم و مقطوع به از سیرت و عادت نبی (ص) است که در ادنی غیبتی از مدینه ترک استخلاف نکردی و همچنین بیان ادنی ما یحتاج الیه را، من الفرائض و السنن و الآداب، اهمال نمودی، و نیز معلوم است از حال او (ص) که بر امت خود مهربانتر و مشفقتر از پدر مهربان بود بر اولادش، و معلوم است از عادت پدران که در حین وفات ترک وصیت به جهت اولاد خود نکنند و تعیین من یقیم بأمورهم کنند. پس مقطوع به باشد عادت عدم اهمال نبی امر امت را و تعیین نکردن وی کسی را که قائم باشد به امور امت. و ایضاً قوله تعالی: «ألیوم أكملت لکم دینکم» ادلّ دلیلی است بر اینکه تعیین امام کرده؛ چه ظاهر است که وجود امام از مقومات دین قویم و از اعظم مکملات شرع مستقیم است و حق سبحانه خیر داده به اکمال دین، پس نتواند بود که تعیین امام نکرده باشد. (گوهر مراد، فیاض لاهیجی: ص ۴۸۳-۴۸۴).

۳- عهد و پیمانی که مردم در غدیر بر خلافت علی (ع) بستند:

ناصر خسرو در قصیده شماره ۹۶، با طنز و نکوهش به مخالفان میگوید:

ایزد یکی درخت برآورد بس شریف	از بهر خیر و منفعت خلق در عرب
آتش درو زدید و مر او را بسوختید	تو بی وفا ستور و امامانت چون حطب

عهد غدیر خم زن بولهب نداشت در گردن شماس‌ت شده سخت چون کُنب
(دیوان ناصر خسرو: ۲۰۸)

او در جای دیگر نیز از مؤاخذه منکران و پیمان شکنان غدیر در محشر چنین میگوید:
بیاویزد آن کس به غدر خدای که بگریزد از عهد روز غدیر
چه گویی به محشر اگر گویدت از آن عهد محکم شبر با شیبیر؟
(دیوان ناصر خسرو: ۴۰۲)

۴ - حدیث منزلت:

حدیث منزلت - که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند و در خطبه غدیر نیز انعکاس یافته - دلیل روشنی
بر جانشینی امام علی (ع) است. ناصر خسرو در چندین قصیده به این حدیث اشاره کرده است، از
جمله: قصیده شماره ۵۸، ۶۴، ۶۵، ۹۰، ۲۳۲، ۲۳۴:

چو هارون ز موسی علی بود در دین هم انباز و هم همنشین محمد
(دیوان ناصر خسرو: ۱۳۰)

۵ - بهترین خلق و خزانه‌دار اسرار الهی بودن پیامبر (ص) و علی (ع):

محمد و علی از خلق بهترند، چه بود گر از فلان و فلان نشان بزرگتر داریم
خزینہ‌دار خدایند و، سزهای خدا همی به ما برسانند کاهل اسراریم
(دیوان ناصر خسرو: ۷۰)

۶ - صاحب لوا و پرچمدار پیامبر (ص) بودن علی (ع):

ناصر خسرو در قصیده شماره ۶۲، ضمن اشاره به جانشینی امام علی (ع)، با نکوهش مخاطبان خود
از اهل سنت متعصب میگوید: چرا به خاطر این عقیده و ستایش آل پیامبر در حق من بدی و جفا
میکنید، من فقط زیر پرچم پرچمدار پیامبر (ص) رفتم:

گر گفتم از رسول علی خلق را وصیست سوی شما سزای مساوی چرا شدم؟ چون
ور گفتم اهل مدح و ثنا آل مصطفاست زی شما سزای جفا و هجا شدم...
احمد لوای خویش علی را سپرده بود من زیر این بزرگ و مبارک لوا شدم)
دیوان ناصر خسرو: ۱۴۰ و ۱۴۱)

بیت آخر شعر اشاره دارد به این سخن پیامبر (ص) در جنگ خیبر: « وَ اللَّهُ لَأَعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا
يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ هُوَ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ (النَّقْض، قزوینی رازی: ص ۱۳۹) همچنین روایات
متعددی که پیامبر (ص) به امام علی (ع) فرمود: تو پرچمدار من در دنیا و آخرت هستی. (میزان
الحکمه، محمدی ری شهری: ص ۸۱۶ و قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت، مستنبت، ۱۳۹۰: ۴۵۵).

۷- برادری علی (ع) با پیامبر (ص) ۸- برتری غیر قابل قیاس امام علی (ع) بر دیگران ۹- در سرای دین نبی بودن علی (ع):

ناصر خسرو در قصیده شماره ۷۴ که ابیاتی از آن در ادامه می آید، میگوید: امام علی (ع) با پیامبر (ص) برادر بود و آن کسیکه خلافت را غصب کرد، در حکم همسایه، و همسایه (ابوبکر) اگر روزی با کسی (پیغمبر) به کوه و غار برود، هرگز جای برادر (علی) را نمیگیرد. همچنین علی (ع) همچون طلا بود و آن دیگر همچون سنگی بی بها که یار پیامبر بودن آنها موجب برابری قدر و منزلت آنها نمیشود همانگونه که زیر محک قرار گرفتن سنگ و طلا موجب برابری ارزش آنها نمیگردد. مهمتر اینکه پیامبر (ص) معمار و بانی سرای دین است و علی (ع) و عترت او در این خانه هستند و معلوم است که برای ورود به خانه باید از در آن وارد شد:

من تولا به علی دارم کز تیغش چون	بر منافق شب و بر شایعه نهار آید
برادر نبود هرگز همسایه	سنگ چون
زر نباشد به بها هر چند	با زر همی زیور عیار آید
دین سرائیست بر آورده پیغمبر	تا همه خلق بدو در به قرار آید
علی و عترت او یست مر آن را در	کس که در این ساخته دار آید

(دیوان ناصر خسرو: ۱۶۲)

۱۰- شرافت و فضایل گوناگون علی (ع) ۱۱- خدمات و جانفشانیهای علی (ع) برای اسلام:
ناصر خسرو در قصیده شماره ۸۲ از مخاطب خود میپرسد: « آیا نمیدانی که پیامبر در روز غدیر خم از بالای منبر ولایت خود را به چه کسی سپرد؟ » سپس این سؤال را زمینه ای قرار میدهد برای بیان فضایل امام علی (ع):

آگه نه ای مگر که پیامبر که را سپرد	روز غدیر خم ز منبر ولایتش؟
آن را سپرد کایزد مر دین و خلق را	آن
را که در رکوع غنی کرد بی سؤال	آن
را که هر شریفی نسبت بدو کنند	آن را
که کس به جای پیامبر جز او نخفت آن را که	آن را
مصطفی، چو همه عاجز آمدند	شیری
مبارزی که سرشته است کردگار	قسمت
نشد به خلق درون، دوزخ و بهشت در بود مر	قسمت
مدینه علم رسول را	قسمت

(دیوان ناصر خسرو: ۱۷۹ و ۱۸۰)

بیت سوم شعر به آیه ۵۵ سوره مائده اشاره دارد که پیامبر (ص) در خطبه غدیر نیز آن را نقل و تفسیر کرد: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند مرا مأمور کرد که در این اجتماع به پا خیزم و

بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که « علی بن ابیطالب » برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است . نسبت او به من ، همانند هارون به موسی است جز این که پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است. و خداوند در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من نازل کرده است : « اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيمُوْنَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُوْنَ »: [سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز برپا میدارند و در حال رکوع زکات میدهند]. (مائده/۵۵) و علی بن ابیطالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده است. (الاحتجاج، طبرسی: ص ۵۹).

بیت پنجم نیز که به ماجرای لیله المیت اشاره دارد، یادآور این فراز از خطبه غدیر است: « علی اوّل کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچ کس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد؛ او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود، در جای من خوابید». (الاحتجاج، طبرسی: ص ۶۰).
بیت نهم نیز اشاره دارد به این سخن پیامبر(ص) خطاب به علی(ع): اَنْتَ قَسِيْمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ (بحار النوار، مجلسی، ج ۹: ص ۳۸۹).

۱۲- وارث پیامبر(ص) بودن علی(ع) به دلیل قرابت خانوادگی:

ناصر خسرو در قصیده شماره ۲۳۲، در پاسخ به ادعای مخالفان مبنی بر اینکه پیامبر(ص) هنگام رحلتش کار دین و امتش را به فلان و بهمان واگذار کرد، میگوید: هیچ پادشاهی حکومت خود را به بیگانه واگذار نکرد و هیچ مسلمانی با وجود فرزندان میراث خود را به همسایگان نمیدهد. پس سزاوار نیست که پیامبر خدا نیز میراث گرانبهای نبوت و عهد و امانت الهی را به بیگانه و نااهل واگذار کند بخصوص که فرمان الهی در این زمینه وجود دارد؛ مگر اینکه ادعا کنید پیامبر(ص) به فرمان الهی عمل نکرده است:

گویند که پیغمبر ما امت و دین را	چون رفت ز عالم به فلان داد و به بهمان از
پیغمبری ای بیخردان ملک الهیست	ملکت قیصر به و از ملکت خاقان شو
هرگز ملکی ملک به بیگانه ندادست	نامه شاهان جهان پاک فروخوان
دختر و داماد و نییره به جهان در	میراث به همسایه دهد هیچ مسلمان؟
سوی شما کار نکردست پیغمبر	بر قبول خداوند جهان داور سبحان
	(دیوان ناصر خسرو: ۴۸۵)

درباره نص یا عدم نص پیامبر(ص) بر خلافت پس از خود، فیاض لاهیجی میگوید: « جمهور اشاعره و معتزله و خوارج بر آنند که پیغمبر(ص) نص نکرد بر احدی به امامت و خلافت، و بعضی از اهل سنت گفته‌اند که نص کرد بر ابی بکر. حسن بصری بر آن است که نص کرد بر ابی بکر، نص خفی؛ و هو تقدیمه ایاة فی الصلاه. و بعضی دیگر گفته‌اند که نص کرد نص جلی؛ و در روایت ایتونی بدوات و

قرطاس، چنین ساخته‌اند که ایتونی بدواه و قرطاس اکتب لابی بکر کتاباً لا یختلف فیه اثنان. و پوشیده نیست بر عارف متبّع إختلاق ابن روایت و ضعف مستند حسن بصری و لهذا جمهور اهل سنت اعتبار آن نکرده قطع به عدم نص نموده‌اند و تمسک به بیعت جسته، و حال آنکه نزد امامیه ثابت شده که تقدیم در صلاه تدلیسی بود که در حالت شدت مرض، اهل غرض کرده بودند و حضرت رسول (ص) بعد از افاهه و اطلاع بر آن، با کمال ضعف تکیه بر دوش علی و عباس نموده به مسجد تشریف فرمود و امامت مدّسه را به ابی بکر نگذاشت که به اتمام رساند و بالجمله اهل سنت را اعتنایی به شأن این حدیث نیست و اگر نصّ مذکور فی الجمله احتمالی میداشت و از عمده تمشیت و سازگاری آن به در میتوانستند آمد هرآینه دست از آن برنمیداشتند و به بیعت و اجماعی که حقیقتش معلوم شد نمی‌آویختند. و جمهور شیعه بر آنند که نصّ کرد بر علی بن ابی طالب به نصوص خفیه و جلیه. (گوهر مراد، فیاض لاهیجی ۲: ۴۸۵-۴۸۶).

ناصر خسرو در قصیده شماره ۸۲ نیز میگوید اگر مال و سرمایه مرد به خانواده اش میرسد، پس چرا میراث رسول خدا(ص) که شریعتش بود نباید به خاندان او برسد:

گر سوی آل مرد شود مال او، چرا
زی آل او نشد ز پیمبر شریعتش؟
(دیوان ناصر خسرو: ۱۷۹)

در قصیده شماره ۹۶ نیز میگوید:

دعوی همی کند که نبی را خلیفتم
زیرا که دین سرای رسولست و ملک اوست
در خلق، این شگفت حدیثیست بوالعجب
کس ملک کس نبرد در اسلام بی نسب
(دیوان ناصر خسرو: ۲۰۹)

در قصیده ۱۴۳ نیز بر قرابت ویژه امام علی(ع) با رسول خدا تأکید میکند:

جز که علی را پس از رسول که را بود
همچو یکی یار زی رسول که را بود
آنکه خلافت بدو رسید ز بنیاد؟
آنکه برادرش بود و بن عم و داماد
(دیوان ناصر خسرو: ۳۰۲)

* ذکر برخی دلایل مخالفت مخالفان ولایت و پاسخ به آنها:

علاوه بر مواردی که بعضاً در ضمن اشعار بالا ذکر شد، ناصر خسرو در قصیده شماره ۱۰۲، با مطلع:
ای خردمند و هنر پیشه و بیداد و بصیر
کیست از خلق به نزدیک تو هشیار و خطیر

ضمن پرداختن به ماجرای غدیر و جانشینی حضرت علی (ع)، ناراحتیها و حسادت‌ها و نافرمانیهای عده‌ای را که هوسهایی در سر داشتند بیان میکند و آنانی را که جانشینی حضرت را نپذیرفتند، با استفاده از آیه ۵۰ و ۵۱ سوره مدثر، خرائی دانسته که از شیر گریخته‌اند. سپس ضمن برشمردن

فضایل حضرت، به استدلال سست مخالفان مبنی بر جوان و کم سن و سال بودن علی (ع) و پیر و بزرگ بودن ابوبکر اینگونه جواب میدهد که: شرف انسان به علم و دانش است نه سن و سال:

شرف خیر به هنگام پدید آید ازو بر
 سر خلق مرو را چو وصی کرد نبی
 حسد آمد همگان را ز چنان کار و ازو او
 سزا بُد که وصی بود نبی را در خلق کی
 شناسی بجز او را پدر نسل رسول بر سر
 لشکر کفار به هنگام نبرد ای که بر
 خیره همی دعوی بیهوده کنی شرف مرد
 به علمست، شرف نیست به سال

چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
 این به اندوه درافتاد ازو وان به زحیر
 بر میدند و رمیده شود از شیر حمیر
 که برادرش بُد و بن عم و داماد و وزیر...
 کی شناسی بجز او قاسم جنات و سعیر?...
 چشم تقدیر به شمشیر علی بود قریر
 که «فلان بوده ست از یاران دیرینه و پیر» چه
 درایی سخن یافته همی خیره به خیر؟ (دیوان ناصر خسرو: ۱۲۹)

ناصر خسرو در آثار منشورش از جمله «جامع الحکمتین» و «وجه دین» نیز به دفاع از تشیع و ولایت امیرالمؤمنین (ع) پرداخته که برای کاملتر شدن بحث، مواردی از آن دو اثر نقل میشود:

خلاصه استدلال او این است که میگوید: از خلق هر کس، دعوی میکند که «راه حق آن است که من برآنم و مخالف من بر باطل است؛ و این حال دلیل کند که همه دعویها حق نیست» چه اگر «همه دعویها حق بودی همگان هیچ یک بر باطل نبودندی» زیرا «هر کس در باطل ساختن دعوی مخالف خود راستگوی بودی» پس چون همه دعویها درست نیست همچنانکه همه آنها باطل هم نیست واجب می آید که «از همگان یکی بر حق است و دیگران همه بر باطل اند.» (جامع الحکمتین، ناصر خسرو: ص ۱۱۱ و ۲۱۹) و چون خداوندان دعوی به دوفرقه شدند حق از باطل پیدا آمد. حال گوئیم: «از جمله هفتاد و سه فرقه مسلمان یک فرقه است که با همگان مخالف است و آن گروه آنانند که میگویند که امام از فرزندان رسول باید از بنیان علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا - علیهما السلام - باشد، و دیگران همه یک فرقه شده اند بر اینکه هر کس به امام گذشته اقتدا کنند، همه یکدیگر را حق میگویند و این یک فرقه را ناحق میگویند که شیعه است و میگویند که امام زمن زنده است و فرزند رسول است و چون هفتاد و دو فرقه همه این یک فرقه را مخالفند دانیم که حق میان اهل شیعه است.» (وجه دین، ناصر خسرو: ص ۱۴-۱۵)

آنگاه میگوید: این هفتاد و دو فرقه همه میگویند «ما بر حقیقیم.» اما من میگویم «حق به دعوی درست نشود و بر حق آن است که بر دعوی حقوقمندی خویش برهان عقلی دارد... مسلمانان، پس از رسول (ص) به دو قسمت شدند: گروه پیشینه گفتند که امام پس از رسول فرزندان رسول باشند و آن گروه شیعه اند؛ و گروهی گفتند که امامت پس از رسول میان امت است تا هرکه داناتر و پرهیزگارتتر باشد روا باشد که امام باشد» چه خدای تعالی میگوید «یا ایها الذین امنوا أطیعواالله و

أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نسا/ ۵۹) ای گروه‌دگان، طاعت دارید خدای را و رسول خدای را و خداوندان فرمان را از شما. پس شیعه گفتند این « خداوندان فرمان » از ذریهٔ رسولند، و دیگر مسلمانان گفتند که روا باشد که از فرزندان رسول باشند و روا باشد که نباشند. پس شیعه گفتند که: شما اقرار کردید که امام از فرزندان رسول رواست، ما با شما در این مُتَّفَقِیم و بدانچه گوئید جز از فرزندان رسول امام روا باشد مُتَّفَقِ نیستیم پس ما از حَجَّتِ بی نیازیم و شما را حَجَّتِ باید به اثباتِ امام خویش». (همان: ۱۴-۱۵)

آنگاه ناصر خسرو حَجَّتِ غیر شیعه را به سه حَجَّتِ بر میگرداند و هر سه را ذکر میکند و جواب میدهد: یک حَجَّتِ اینست که «گفتند خبر است از رسول که گفت: الْعِلْمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ: دانایان میراثداران پیامبرانند. شیعه گفتند: بدین معنی آن میخواهد که جز ورثهٔ رسول کسی دیگر دانا نیست؛ و دیگر مسلمانان گفتند، هر که دانا باشد ورثهٔ رسول باشد، پس شیعه گفتند: شما با ما مُتَّفَقِ شدید که این دانایان از ورثهٔ رسول روا باشد و ما با شما مخالفیم به آنچه گوئید جز از ورثهٔ رسول کسی دیگر دانا هست و ما از حَجَّتِ بی نیازیم و شما را حَجَّتِ باید.» (همان: ۱۵)

دیگری اینست که میگویند: «خبر است از رسول که گفت: ... اصحابی كَالنُّجُومِ بَأَيْهَمِ اِقْتِدَيْتُمْ اِهْتَدَيْتُمْ: یاران من چون ستارگانند به هر کدام از ایشان که راه جوئید راه یابید. من از ایشان پیروم که یاران کدامند. ناچار گویند: آن کسانی که او را دیدند و با او صحبت داشتند. پس ایشان را گوئیم آن کسان که تو میگوئی با یکدیگر مخالف بودند یا موافق؟ نتوانند گفت که موافق بودند از بهر آنکه میان ایشان جنگ و کشتن بود. چون ایشان با یکدیگر مخالف بودند و یکدیگر را کشتند، چگونه روا بود که متابع گُشده بر راه راست باشد و مُتَبَاعِ کُشته [نیز] همچنان؟ و این مُحَالِ باشد. پس این خون بر یکسو حلال باشد و بر دیگرسو حرام و آنکس که متابع گُشدهٔ عثمان باشد خون عثمان بسوی او حلال باشد و سوی متابع عثمان حرام و خون حسین بن علی (ع) سوی یزید بن معاویه حلال باشد و سوی علی بن ابی طالب و فرزندانش حرام. پس گوئیم چگونه روا باشد که رسول مصطفی راه جستن فرمود از گروهی که از ایشان یک تن چیزی را حرام گوید و دیگری از ایشان همان چیز را حلال گوید؟» مگر اینکه بگوید خدای تعالی نمیدانست «که حال ایشان پس از رسول چگونه خواهد بود» و از اینجا بود که «رسول را بفرمود که خلق او را بدیشان سپرد تا اندر شک و خلاف هلاک شوند» و این را هیچ عاقل مسلمانی نگوید. «پس این خبر را از دو حال چاره نیست یا این خبر از رسول نیست و یا آن گروه که او گفته است آن گروه نیستند که خلاف کردند.» (همان: ۱۷-۱۸)

سومی اینست که گویند: «آنکس که مسلمانان او را امام کردند و او امام حق باشد و اطاعت او واجب باشد از بهر آنکه خبر است از رسول (ص): لَا يَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ: اُمَّتِ من جمع نشوند بر گم بودگی. ایشان را گوئیم: اگر پیامبر را خدای تعالی به اختیار امت فرستاده بود، ایشان را نیز روا میبود

که کسی را بر جای او بر پای کنند . پس اگر پیامبر به خواست خدا آمده است نه به خواست خلق ، خلیفه رسول نیز باید به فرمان خدا باشد نه به اختیار امت . و بر درستی این قول گواهی دهد آنچه خدای تعالی میگوید : *وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ* (احزاب / ۳۶) نباشد مرد وزن گرویده را اختیاری در کار ایشان چون خدا و رسول او فرمانی برانند . پس درست شد که امامت آلا به فرمان خدای تعالی درست نباشد» . (همان : ۱۸-۱۹)

نتیجه :

ناصر خسرو بعنوان یک شیعه اسماعیلی و مبلغ تشیع ، با وجود اینکه در زمانه‌ای میزیست که هم اکثریت مردم آن اهل تسنن بودند و هم حاکمان آن ، ترکان سنی مذهب متعصب ، با شجاعت و صراحت کم نظیر و با به خطر افکندن جان خود ، در اشعار و آثارش ضمن طرح گسترده ماجرای غدیر ، با دلیل و منطق به دفاع از ولایت امیرالمومنین (ع) پرداخته است که از جمله دلایل او در اشعارش عبارتند از :

- ۱- نص قرآن و حکم صریح الهی در جانشینی و ولایت امیرالمومنین (ع) به دلیل الهی بودن کار نبوت و امامت و خارج بودن آن از حوزه اختیار و انتخاب مردم .
 - ۲- تصریح و تنصیب پیامبر (ص) به ولایت امام علی (ع) بویژه در ماجرای عظیم و مشهور غدیر خم
 - ۳- عهد و پیمان و بیعت مردم در غدیر خم با امام علی (ع) و الزام آور بودن این عهد و بیعت .
 - ۴- روایت احادیث بسیاری از پیامبر (ص) در باره امام علی (ع) .
 - ۵- آیات متعددی از قرآن کریم در شأن حضرت علی (ع) .
 - ۶- بیشتر بودن قرابت و نزدیکی حضرت علی (ع) به پیامبر اسلام (ص) از دیگران .
 - ۷- وارث پیامبر (ص) بودن علی (ع) و رسیدن میراث به وارث نه بیگانه .
 - ۸- در شریعت و علم پیامبر (ص) بودن علی (ع) و ورود به هر سرا از طریق در آن ، به حکم عقل .
 - ۹- فضایل بیشمار امیرالمومنین (ع) و شایستگیهای ذاتی واصلحیت و اولویت آن حضرت .
 - ۱۰- خدمات و جانفشانیهای آن حضرت در راه اسلام و برای پیامبر (ص) .
- ناصر خسرو در اشعارش به فضائلی چون علم و حکمت ، شجاعت ، مردانگی ، آزادگی ، زهد ، سخاوت ، تقدّم در اسلام ، داماد و برادر و وصی پیامبر (ص) و همسر فاطمه (س) و پدر حسنین (ع) بودن امام علی (ع) اشاره کرده و همچنین آن حضرت را برگزیده خدا و پیامبر (ص) ، ستوده خداوند در قرآن ، خازن قرآن و علم و احکام الهی ، روح و روان قرآن ، در شهر علم و صاحب لوای پیامبر (ص) ، محرم اسرار نبی و قاسم جنت و دوزخ نامید .
- بنابراین دلایل ، ناصر خسرو مذهب شیعه را که در رأس آن پس از پیامبر اسلام (ص) ، حضرت علی (ع) و فرزندان او قرار دارند ، مذهب حقه میدانند و همه را به آن دعوت میکند .

وی همچنین به دلایل زیر به نکوهش و تخطئه منکران و مخالفان، از صدر اسلام تا زمانه خود میپردازد:

- ۱- زیر پا نهادن حکم خدا و وصیت و فرمان رسول خدا در موضوع جانشینی حضرت علی (ع).
- ۲- پیمان شکنی و پایبند نبودن به بیعت و عهد و پیمان خود در غدیر.
- ۳- انتخاب فردی که لایق رهبری و حکومت نبود به جای کسیکه اصلح و برگزیده خدا و رسول بود، بخاطر جهالت و حسادت و کینه و دشمنی و بهانه تراشیهایی سست و ناموجهی چون کم سن و سالی علی (ع) و... که از جمله نتایج و تبعات این کار، حذف شدن عالم و مفسر حقیقی قرآن از صحنه دین و رواج انحرافات دینی و کج فهمیها از آیات قرآن بود.
- ۴- منکر قضیه غدیر بودن عده‌ای. ناصر خسرو در پاسخ به این گروه و بطلان عقیده آنها میگوید: اگر پیامبر (ص) برای خود جانشین تعیین نکرد و این کار را به امت واگذاشت، پس نعوذ باللہ به فرمان الهی عمل نکرد. ثانیاً اگر از بعد حکومت و فرمانروایی به قضیه نگاه کنید، هیچ حاکمی با وجود داشتن افرادی از خاندانش، حکومت خود را به بیگانه واگذار نمیکند. ثالثاً اگر از بعد ارث و میراث به قضیه نگاه کنید، هیچ کس با وجود داشتن وارث، میراث خود را به بیگانه نمیدهد.
- ۵- ارائه ادعای دروغین مبنی بر اینکه پیامبر (ص) به هنگام رحلت، کار دین و جانشینی خود را به افراد دیگری غیر از حضرت علی (ع) واگذار کرده است.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم. ترجمه حضرت آیه الله مکارم شیرازی.
- ۲- آشنایی با علوم اسلامی. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). جلد دوم. چاپ ششم. تهران: صدرا.
- ۳- آواها و ایماها. اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۷۰). چاپ چهارم. تهران: یزدان.
- ۴- الاحتجاج. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ قمری). مشهد: نشر مرتضی.
- ۵- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. محمد فؤاد عبدالباقی (۱۳۷۲). تهران: انتشارات اسلامی.
- ۶- النقص. قزوینی رازی، عبدالجلیل. (۱۳۳۱). به تصحیح دکتر سیدجلال الدین محدث ارموی: تهران.
- ۷- بحار الانوار. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۳۳ قمری). جلد ۹. تهران.
- ۸- بررسی مصادیق رد و طعن در دیوان ناصر خسرو، زخرف خانی سمسکنده و بی بی زینب افضلی، (۱۳۹۰) فصلنامه علمی پژوهشی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۱۲، تابستان ۱۳۹۰.
- ۹- تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۷). جلد دوم. چاپ هشتم. تهران: فردوس.
- ۱۰- تحلیل اشعار ناصر خسرو. محقق، مهدی. (۱۳۶۸). تهران: دانشگاه تهران.

- ۱۱ - دوره مختصر منطق صوری، خوانساری، محمد. (۱۳۷۳). تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲ - جامع الحکمتین، ناصر خسرو. (۱۳۶۳). به اهتمام هانری کربن- محمد معین. تهران: طهوری
- ۱۳ - دیوان اشعار. قبادیانی بلخی، ناصر خسرو. (۱۳۷۰). تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴ - سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی. دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۷۰). چاپ چهارم. تهران: زوار.
- ۱۵ - سفرنامه ناصر خسرو. وزین پور، نادر. (۱۳۷۰). چاپ هشتم. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۱۶ - قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت. مستنبط، سید احمد. (۱۳۹۰). جلد اول. چاپ یازدهم. قم: الماس.
- ۱۷ - گزیده اشعار ناصر خسرو. شعار، جعفر. (۱۳۶۸). چاپ اول. تهران: علمی.
- ۱۸ - گوهر مراد. فیاض لاهیجی، ملا عبدالزاق. (۱۳۷۲). چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹ - مجموعه مقالات به مناسبت هزارمین سال ولادت ناصر خسرو. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۵۵). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۰ - میزان الحکمه. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). جلد دوم. قم: سازمان چاپ و نشر.
- ۲۱ - وجه دین. قبادیانی بلخی، ناصر خسرو. (۱۳۰۳). به اهتمام محمود غنی زاده. چاپ برلین.